ویژه

صفحه‌ای برای خانواده‌های ایرانی

نیمی از جامعه بلکه همواره نیم درصدی بیشتر از نیم جامعه زن هستند؛ نیمه فعالی که اثرگذاری‌شان روی نیمه دیگر یعنی مردان جامعه هم غیر قابل انکار است. در خانواده ایرانی، زنان در هر نقشی که باشند، مادر، خواهر، دختر و همسر، محور خانواده‌اند و سایر نقش‌های خانواده حول این نقش‌های محوری شکل می‌گیرد و جایگاه زن ایرانی نقطه قوتی است که موجب قوام پایه‌های خانواده ایرانی شده است. زن مسلمان ایرانی به واسطه جایگاه و شأنی که اسلام و همچنین ساختار خانواده در کشورمان به وی داده است نیازی به جایگاه‌های تصنعی که دون شأن و متانت اوست ندارد. بر این اساس هم نوک پیکان تهاجم فرهنگی و تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به عنوان زیر بنای نفوذ در جامعه و به منظور پوک کردن درونی ساختار اجتماعی همواره زنان جامعه ما را هدف گرفته است. به همین خاطر هم است که باید زنان، نیازها و مطالباتشان و دام‌هایی که بر سر راهشان قرار گرفته است به طور جدی مورد توجه و واکاوی قرار گیرد. بر آنیم در صفحه زنان، نه با نگاه افراط گرایانه فمنیستی و نه با نگاه تفریطی و کنار زدن زنان از تمام شئون زندگی پیگیر الگوی زن تراز انقلاب اسلامی باشیم. زن مسلمان ایرانی که بنا به تعبیر رهبر معظم انقلاب زن نه شرقی و نه غربی است، زنی است که تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. این صفحه نه متعلق به زنان که متعلق به خانواده ایرانی است؛ خانواده‌ای که زنان و مردانش در کنار هم به انسانیت معنا و نسلی آینده‌ساز را پرورش می‌دهند.

نگاه

لیلا تنها

سیاه‌مشق بیمه‌ای برای زنان

بخشی از جامعه کاری را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند که کار آنان در منازل و مراکز خدماتی کمتر دیده می‌شود. به همین نسبت بیمه زنان مشغول به کار در خانه‌ها کمتر مورد توجه مسئولان قرار گرفته است.

طرح بیمه زنان خانه‌دار که از سال ۸۱ در دستور کار دولت قرار گرفته، تاکنون شاهد تغییراتی بوده و موافقان و مخالفان بسیاری داشته، در طول بیش از یک دهه گذشته، اقدامات متفاوتی در عمل و همچنین به صورت پیشنهاد ابراز شده است؛ مانند تحقق نظام جامع بیمه فراگیر برای همه زنان خانه‌دار که سال‌هاست به دلیل ایجاد بار مالی برای دولت رنگ عملیاتی به خود نگرفته است. متأسفانه بیمه زنان خانه‌دار در مقایسه با بیمه کارگران ساختمانی کمتر مورد توجه مسئولان و حتی نمایندگان مجلس قرار گرفته است. بسیاری از زنان خانه‌دار که بدسرپرست یا بی‌سرپرست هستند و برای امرار معاش زندگی خود و خانواده مجبور به انجام کارهای خدماتی غیر معمول در کارگاه‌ها و منازل افراد هستند، بعضاً در بدترین شرایط در سرما و گرما و با کمترین مزد به کار خود ادامه می‌دهند و به قول معروف با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارند.

این قشر زحمتکش نه بیمه‌ای دارند که با آن به درمان دردهای خود بپردازند و نه پشتوانه بیمه‌ای که در زمان بیکاری و از کار افتادگی به آن اکتفا کنند. شرایط سنی برخی از این زنان که بعضاً قربانی نابرابری‌های اجتماع شده‌اند بسیار اسفبار است. کارهای موقت و بدون پشتوانه سبب شده است تا آسیب‌ها در این قشر دوچندان بشود. متأسفانه در یک روی سکه به دلیل نبود ساختار مناسب در دستگاه‌ها و مراکز متولی همواره در آمارهای ارائه شده نادیده گرفته می‌شوند.

در نبود آمار برنامه‌ریزی مناسبی هم برای آنان از سوی دستگاه‌های متولی صورت نمی‌گیرد. در آن روی سکه هم بسیاری از سازمان‌ها و بخش‌های دولتی فقط شعار حمایت از این قشر را می‌دهند تا اعلام کنند که بودجه‌های دستگاه یا سازمان متبوع خود را به درستی هزینه کرده‌اند. در این میان کمیته امداد امام (ره) با تحت پوشش قراردادن برخی از این زنان در حد وسیع به کمک آنان آمده است ولی نیازهای بالا و افراد تحت پوشش این زنان سبب شده است تا همیشه زنان در طبقه آسیب‌پذیر و آسیب‌زا قرار گیرند. نبود اعتبار کافی برای بیمه زنان خانه‌دار سبب شده است تا قشر کمتری بیمه شوند. هرچند دفاتر پیشخوان دولت آمادگی ثبت‌نام از این افراد را دارند اما با تصویب قانون و فراهم نبودن شرایط برای اجرای کامل بیمه زنان خانه‌دار، شورای نگهبان اعلام کرده که بیمه زن خانه‌دار به حکم دائمی نیاز دارد و نمی‌توان هر ساله در بودجه آن را منظور کرد. دومین اقدامی که تا به حال به صورت ناقص در این مورد انجام شده این است که بیمه مرکزی برای زنان خانه‌دار از سال‌های گذشته با ظرفیت محدودی اجرا شده که با مشکلات زیادی همراه بوده است. به هرحال در بحث بیمه‌ای اولویت امور برای اقشار آسیب‌پذیر باید مورد اهتمام دستگاه‌های متولی قرار گیرد نه اینکه بودجه‌ها صرف شود و تتمه بودجه به این افراد اختصاص یابد. آسیب‌زا بودن و در معرض انواع آسیب بودن این قشر توجه دولتمردان و نمایندگان خانه ملت را بیش از پیش می‌طلبد تا با حمایت و زیر چتر بیمه‌ای قرار دادن مستمر این قشر دردی از این افراد درمان شود نه اینکه فقط وعده‌های دهان پرکن داده شود و کاری انجام نشود.

باید توجه داشت به هر صورت زنان، کانون خانواده هستند و هر آسیبی به این قشر بر کل جامعه اثر نامطلوب و نامناسب برجا خواهد گذاشت.

متأسفانه کلی‌گویی برخی مسئولان در دولت گذشته و کنونی سبب شده است تا آسیب‌ها در این بخش به چشم نیاید و این لایه‌های جامعه است که باید تبعات این ناکارآمدی و بی‌کفایتی را بپردازد. در حال حاضر مشق بیمه برای زنانی که کارهای خانگی می‌کنند نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود و در همه محافل صحبت از بیمه این قشر می‌شود اما کسی یا دستگاهی پاسخگوی کم‌کاری‌ها نیست. گویا بیمه این زنان بی‌بضاعت فقط سیاه‌مشقی برای شانه خالی کردن از انجام وظایف است.

دورنما

ضرورت ارائه آموزش‌های پیش از ازدواج در مدارس و سربازخانه‌ها

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر ضرورت ارائه آموزش‌های پیش از ازدواج در مدارس، دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها معتقد است ارائه این آموزش‌ها در این اماکن موجب کاهش نرخ طلاق در کشور خواهد شد.

حبیب‌الله مسعودی‌فرید افزود: آموزش و پرورش به ویژه در دوره متوسطه دوم برای آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند نقش فعال‌تری داشته باشد و ملاک‌ها، معیارها و آموزش‌های پیش از ازدواج را ارائه دهد. وی ادامه داد: همچنین در دوران سربازی می‌توان آموزش‌های پیش از ازدواج را در محل خدمت سربازها ارائه داد. وی یادآور شد: دانشگاه‌های علوم‌پزشکی، آموزش عالی و دانشگاه آزاد با توجه به شمار زیاد دانشجویان از فرصت‌های بی‌همتایی برای توسعه آموزش‌های پیش از ازدواج برخوردار هستند تا شاهد کاهش نرخ طلاق در کشور باشیم. به گفته معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، حدود نیمی از طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی اتفاق می‌افتد، پس این دوره، دوره بسیار مهمی است و باید آموزش‌های لازم در زمینه مهارت‌های زندگی به زوج‌ها ارائه شود. مسعودی‌فرید افزود: سازمان بهزیستی، خدمات متنوعی را برای تحکیم بنیان خانواده و پیشگیری از طلاق ارائه می‌دهد که شامل آموزش‌های پیش از ازدواج و آموزش‌های زندگی خانواده است. وی خاطرنشان کرد: این سازمان همچنین برای زوجینی که متقاضی طلاق هستند یا مشکلات خانوادگی دارند نیز خدمات مشاوره روانشناختی و خدمات مداخله برای کاهش طلاق ارائه می‌کند.

بازخوانی وعده و عمل دولت دوازدهم در حوزه زنان

تعبیر وارونه یک رؤیا

گزارش یک
محمد بیت‌سیاح

کابینه دوازدهم در حالی آغاز به کار کرده که حداقل در حوزه پاسخ به مطالبات حامیان و قشر زنان با خلف‌وعده وارد دوره دوم خود شده و در اینکه آیا این دولت می‌تواند افزایش ۳۰ درصدی سهم زنان در امور اجرایی کشور را نیز دنبال کند، تردیدهای جدی‌ای وجود دارد. با پیروزی حسن روحانی، حامیان وی در برهه تشکیل کابینه از تلاش‌ها برای تصاحب سه وزارتخانه از سوی زنان خبر دادند و تأکید کردند که به زودی در دولت دوازدهم زنان در رأس وزارتخانه‌ها به مدیریت عالی خواهند پرداخت. این خواست و مطالبه اما چندان رنگی از واقعیت به خود نگرفت و با اعلام رسمی کابینه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، نه تنها حضور زنان در رأس وزارتخانه‌ها عملی نشد که سهم زنان در کابینه دوازدهم از چهار نفر به سه نفر نیز تقلیل یافت. چنانکه «لعیا جنیدی» به معاونت حقوقی رئیس جمهور دست یافت، «معصومه ابتکار» معاونت حقوق زنان را بر عهده گرفت و «شهیندخت مولاوردی» نیز به سمت دستیار رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی منصوب شد.

در آستانه هر انتخابات ریاست جمهوری جریان و گروه‌های سیاسی بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت زنان در کابینه و پست‌های مدیریتی در سطوح عالی تأکید دارند. دولت یازدهم و دوازدهم هم از این قاعده مستثنی نبودند. اما حالا که تمام مهره‌های شطرنج دولت به جز وزیر علوم چیده شده در عمل هیچ یک از وعده‌های انتخاباتی در حوزه زنان محقق نشده است.

■ برنامه‌هایی برای جلب مشارکت زنان

با اندکی مداقه در برنامه‌های انتخاباتی طی دوره‌های گذشته می‌توان دریافت که عمده جریان‌های سیاسی با تأکید بر جلب و جذب آرای قشرها و طبقات مختلف می‌کوشند تا آرای مختلفی را به سبد آرای خود اضافه کنند، لذا در همین چارچوب طبیعی است که توجه به قشر زنان به عنوان نیمی از جامعه آماج هدف کمپین انتخاباتی قرار گیرد.

در این میان فعالان حقوق زنان در مطالب مختلفی ضمن تأکید بر اینکه رویه مدیریت جهان به سوی مشارکت زنانه یعنی حضور زنان در پست‌های مدیریت‌های عالی و نیز همکاری‌های مبتنی بر حقوق برابر و مدیریت نرم سوق پیدا کرده بر ضرورت جدی گرفتن نقش زنان در توسعه و امور اجرایی عالی کشور تصریح کردند.

از دیگر سو نیز در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، کمپین انتخاباتی و حامیان رئیس‌جمهور منتخب ضمن اشاره به وعده‌های روحانی از قبل از آغاز به کار دولت یازدهم همچون «ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان»، «اشتغال زنان»، «مخالفت با تفکیک جنسیتی و محروم شدن دختران از انتخاب بعضی رشته‌ها»، «بازنگری در فقه اسلامی برای حمایت از زنان» و... بر وعده روحانی مبنی بر «وزارت زنان بر وزارتخانه‌ها» تأکید کرده و به فعالیت‌های انتخاباتی خود شدت بخشیدند.

■ محورهای انتقادی حامیان روحانی

نکته قابل تأمل در این میان این بود که حامیان دولت مستقر آنچه را که بیش از هر چیز مورد تأکید خود قرار می‌دادند مسئله مدیریت زنان بود که رنگ و بویی از مدیریت سیاسی و مشارکت سیاسی زنان داشت تا تلاش برای حل مشکلات زنان در حوزه‌های مختلف. باور فعالان حقوق زنان مبتنی بر این بود که زنان در سایه به دست‌گیری مدیریت سیاسی خواهند توانست به اثربخشی در سیاست‌ها بپردازند و به برابری فرصت‌ها برای زنان دست یابند.

این ماجراها و حمایت‌ها تا زمانی ادامه داشت که با پیروزی حسن روحانی، حامیان وی در برهه تشکیل کابینه از تلاش‌ها برای تصاحب سه وزارتخانه از سوی زنان خبر دادند و تأکید کردند که به زودی در دولت دوازدهم زنان در رأس وزارتخانه‌ها به مدیریت عالی خواهند پرداخت اما این وعده‌ها محقق نشد.

در این میان حامیان روحانی، فعالان حقوق زنان و اصلاح‌طلبان با انتقاد از خلف وعده رئیس‌جمهور محورهای زیر را مورد اشاره خود قرار دادند:

-تأکید بر خلف وعده رئیس‌جمهور در خصوص وعده‌های انتخاباتی خود در خصوص زنان و تصریح بر اینکه عمده حامیان وی دچار یأس و سرخوردگی شده‌اند

-اشاره به عقبگرد دولت در حوزه زنان

-تأکید بر بازی سیاسی در چینش کابینه و جابه‌جایی زنان در پست معاونت‌ها

-انتقاد از روحیه مخالف مدیریت زنان در دولت و برخی از اعضای کابینه

-انتقاد از بهره‌گیری مجدد انتخاباتی از زنان و بی‌مهری به وعده‌ها

انتقادات زنان و حامیان روحانی از شرایط به‌وجود آمده گرچه با اظهاراتی از سوی رئیس‌جمهور مواجه شد، اما این اظهارات موجب جلب رضایت زنان و اصلاح‌طلبان نشد.

حسن روحانی در اظهاراتی در معرفی کابینه پیشنهادی در مجلس شورای اسلامی ضمن تأکید بر اینکه در انتخاب کابینه تحت‌فشار نبوده از تلاش خود برای به کارگیری زنان در پست وزارت سخن به میان آورده اما تأکید کرد بنا بر ملاحظاتی این مهم میسر نشد. حامیان روحانی در واکنش به این اظهارات تصریح کردند که اگر رئیس‌جمهور واقعاً درصدد انتخاب وزیر زن بود چرا بر عقیده خود پافشاری نکرده و اگر تحت‌فشار بود چرا در مجلس مدعی انتخاب کابینه بدون فشار بوده است!؟

در مجموع پس از همه این کش‌وقوس‌ها اما حامیان روحانی و فعالان حقوق زنان پس از آغاز به کار دولت دوازدهم محورهای زیر را مورد تأکید و توجه خود قرار دادند:

۱- برخی از زنان اصلاح‌طلب در موضعی انفعالی تأکید کردند که یکی از دلایل انتخاب نکردن وزیر زن آماده نداشتن زنان برای پست‌های اینچنینی بوده و جامعه زنان آموزش‌های لازم برای تصدی این پست‌ها را کسب نکرده‌اند و بخشی از این مشکل از جانب خود زنان است.

۲- برخی از اصلاح‌طلبان و فعالان حقوق زنان پیشنهاد کردند که رئیس‌جمهور وزیر علوم را از میان اساتید دانشگاه زن انتخاب و آماده‌سازی زنان برای حضور در پست‌های مدیریت عالی را در این وزارتخانه پایلوت کند.

۳- فراکسیون زنان مجلس نیز تلاش کردند تا با تهیه منشوری وزرای دولت دوازدهم را ملزم کنند تا در وزارتخانه‌های تحت مدیریت از زنان مدیر در پست‌های معاونت و مشاور بهره‌گیری کنند.

۴- اصلاح‌طلبان ضمن تأکید بر افزایش ۳۰ درصدی سهم زنان در دولت دوازدهم ابراز امیدواری کردند که دولت حداقل در این زمینه رویه مردسالارانه خود را مدیریت کرده و به این وعده عمل نماید.

۵- فعالان حقوق زنان که در این میان به هیچ عنوان از عدم‌تحقق وعده‌های رئیس‌جمهور راضی و خرسند نیستند، با اشاره به وعده‌های روحانی در سال ۹۲ مبنی بر اینکه «دولت آینده معتقد است که فقه اسلامی در شرایط امروز از سوی حوزه علمیه نیاز به بازنگری دارد و ما از حوزه‌های علمیه تقاضا می‌کنیم که به اصل زمان و مکان توجه بیشتری بکنند... دولت تدبیر و امید در چارچوب فقه با توجه به زمان و مکان، لوایحی برای حمایت از زنان به مجلس ارائه می‌کند» تأکید می‌کنند که چرا آقای روحانی هیچ اقدامی برای برآورده کردن این وعده‌ها در چهار سال ریاست‌جمهوریشان نکرده‌اند؟

در این زمینه اما ناهید توسلی از فعالان زن اصلاح‌طلب در یادداشتی در روزنامه شرق با اشاره به وعده روحانی برای بازنگری در فقه اسلامی تأکید کرد که این وعده دریچه امیدی را در انتخابات ریاست جمهوری برای زنان گشود اما چینش کابینه و نحوه حضور زنان در دولت، ماجرای دیگری را به نمایش گذاشته است.

نویسنده این مطلب اما در ادامه یادداشت خود با اشاره به اینکه حتی اگر زنی هم به عنوان وزیر پیشنهادی از سوی روحانی پیشنهاد می‌شد هیچ تضمینی برای رسیدن زنان به حقوق حقه برابر و عادلانه‌شان نبود و تنها نقش «مسکن» می‌داشت، نوشت: «تا زمانی که تغییری اساسی و بنیادین در قوانین حقوق زنان و دستیابی آنان به حقوق اساسی‌شان در جمهوری اسلامی ایران صورت نگیرد، رسیدن به همه پست‌ها و مقام‌های اجرایی، فرهنگی، اقتصادی، هنری، سیاسی و... تنها دلخوشی کوتاه‌مدتی است برای آنان که به جای درمان، به تسکین قانع هستند.»

توسلی در خاتمه ابراز امیدواری کرد که روحانی در این چهار سال مسئولیتش به درخواست و وعده و قولی که درباره بازنگری فقه اسلامی داده توجه و اقدام کند و امکاناتی فراهم آورد تا این بازنگری با تجمیع تفسیر و تأویل زنان و مردان، توأمان صورت بگیرد تا حقوق برابر و عادلانه انسانی -اسلامی هر یک از زنان و مردان در جای خویش تفسیر و تأویل و به قانون «روزآمد» و «همزمانی» تبدیل شود.

گزارش ۲
زهرا چیذری

آمار کاهش ۳۰ درصدی مراجعان به دادگستری چقدر بر کاهش طلاق دلالت دارد؟!

مراجعه کمتر به دادگستری به معنای کمتر شدن آمار طلاق نیست

کاهش ۳۰ درصدی مراجعان به دادگستری برای «طلاق»؛ انوشیروان محسنی‌بندپی رئیس سازمان بهزیستی کشور این را گفته است.

با توجه به اقتصاد شکننده خانواده‌ها و روند روبه‌رشد آمار طلاق که باعث ایجاد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست می‌شود، برنامه ششم بهزیستی را موظف به بررسی بحث طلاق کرده است.

بندپی در خصوص آمار طلاق توافقی می‌گوید: در سال ۹۲ از ۱۵۰ هزار طلاق ثبت شده، ۷۲ هزار مورد مربوط به طلاق توافقی بوده که در سال‌های گذشته با کاهش مواجه شده است و در سال ۹۵ از ۱۳۶ هزار طلاق ثبت شده ۴۴/۷۹ درصد متعلق به طلاق توافقی بوده است.

از نگاه وی این نشان‌دهنده این است که در صورت اتخاذ تدابیر مناسب می‌توانیم طلاق را کنترل کنیم. به همین خاطر هم آموزش‌های متفاوت از پیش و حین ازدواج و آموزش فرزندپروری به خانواده ارائه می‌شود. بندپی ثبت الکترونیکی طلاق را یکی از این خدمات و در جهت کاهش آمار برشمرد و از موفقیت ۱۸ درصدی مشاوره در جلوگیری از ثبت طلاق و کاهش ۳۰ درصدی مراجعان به دادگستری برای طلاق خبر داد و این را نشانه مؤثر بودن مداخلات دانست.

با وجود این اما می‌توان همانند مسئولان و رئیس سازمان بهزیستی مسئله کاهش ۳۰ درصدی مراجعه به دادگاه را به عنوان یکی از مصادیق کاهش طلاق در جامعه دانست یا با نگاهی واقع‌بینانه‌تر این مسئله را تحلیل کرد.

خیلی خوشبینانه است اگر بخواهیم کاهش مراجعه به دادگاه را مساوی با کاهش طلاق در جامعه بدانیم چراکه اتفاقات دیگری در بستر خانواده و در زیر پوست شهر در حال رخ دادن است که نشان می‌دهد وضعیت زندگی‌های مشترک چندان رضایتبخش نیست.

یکی از دلایل کاهش مراجعه به دادگاه کاهش اصل ازدواج است. بدیهی است وقتی میزان تشکیل خانواده کاهش یابد خانواده‌های کمتری وجود دارند که بخواهند از یکدیگر جدا شوند.

از سوی دیگر مطابق آمارها اوضاع طلاق همچنان بحرانی است و از خطوط قرمز عبور کرده است. طبق آماری که ثبت احوال منتشر کرده است، نسبت ازدواج به طلاق که در سال ۹۲، ۵ بوده است؛ یعنی از هر پنج ازدواج یک ازدواج به طلاق منجر می‌شده، در سال ۹۳ به ۴/۴، در سال ۹۴ به ۲/۴ و در ۹ ماه اول سال ۹۵ به ۹/۳ رسیده است. این آمار بدین معناست که در سال ۹۵ در سطح کشور از هر چهار ازدواج یکی به طلاق منجر شده است. در کنار تمام اینها نباید موضوع طلاق عاطفی را نادیده گرفت. شاید طلاق عاطفی هم مانند بسیاری از آسیب‌های دیگر آمار و ارقام مشخصی نداشته باشد اما آمارهای غیر رسمی می‌گوید آمار طلاق عاطفی دو تا سه برابر طلاق رسمی است و از هر دو ازدواج یک ازدواج در مرحله طلاق عاطفی است.

طلاق عاطفی اغلب به دنبال ازدواج غلط و ناآگاهانه و در پی آن روابط نادرست همسران و ناآگاهی و نداشتن مهارت لازم در تعامل با یکدیگر پس از ازدواج رخ می‌دهد، به دلایلی چون فشار افکار عمومی و پایبندی به اصول اخلاقی و سنت‌ها، نداشتن پشتوانه مالی و حمایت معنوی بعد از طلاق یا به خاطر فداکاری برای فرزندان و نگرانی از آینده زوج‌هایی که به پایان راه رسیده‌اند همچنان زیر یک سقف زندگی کنند؛ سقفی که نتوانسته قلب‌های آنها را به یکدیگر پیوند بزند اما بنا بر ملاحظات ذکر شده طلاق رسمی صورت نمی‌گیرد. طلاق عاطفی اثرات نامطلوبی بر کارآمدی و سلامت زندگی فردی و اجتماعی افراد خانواده دارد و می‌تواند علاوه بر زندگی مشترک زن و شوهر، زندگی و آینده فرزندان را هم تحت تأثیر قرار دهد و خانواده را از حالت حمایت‌کننده و دلگرم‌کننده خارج سازد.

بر این اساس هم می‌توان گفت شاید آمار مراجعه به دادگاه‌ها ۳۰ درصد کاهش داشته باشد اما چنین کاهشی به معنای کاهش طلاق نیست.

بر این اساس به نظر می‌رسد ضروری‌ترین اقدام در حوزه پیشگیری از جدایی‌ها در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه به همراه مؤلفه‌های علمی و واقع‌بینانه است. بدیهی است همانگونه که اعلام آمارهای طلاق چندان سودی برای جامعه ندارد و حتی می‌تواند با گسترش بدبینی در جامعه بر سر راه ازدواج هم موانعی قرار دهد انتشار آمار خوشبینانه درباره ازدواج و طلاق هم کمکی به موضوع نمی‌کند. آسیب‌های اجتماعی نیازمند واقع‌بینی و اقدام و عمل هستند و با شعار حل نمی‌شوند.

دریچه

سید حبیب حسینی

لایحه‌ای که برای منع خشونت علیه زنان تدوین شد

خشونت علیه مردان برای منع خشونت علیه زنان!

لایحه منع خشونت علیه زنان یا همان لایحه تأمین امنیت زنان علیه خشونت در دولت یازدهم در دستور کار قرار گرفت و شهیندخت مولاوردی، معاون وقت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با نگاه کاهش خشونت‌ها و رفع آسیب‌های اجتماعی به اولویت قرار دادن این لایحه مبادرت ورزید؛ لایحه‌ای که سرانجام از دولت به قوه قضائیه ارائه شد. به رغم تأکیدات چند باره مسئولان قوه قضائیه مبنی بر بررسی فوری این لایحه اما همچنان مورد سؤال و نقد در راستای طولانی شدن بررسی قرار گرفته است و ادعایی هم مبنی بر مخالفت این نهاد با لایحه مذکور مطرح شد. هفته گذشته سخنگوی دستگاه قضا توضیحات کاملی در اینباره ارائه و تأکید کرد این لایحه در معاونت حقوقی همچنان در حال بررسی است.

به گفته رئیس ستاد فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، ۶۵ درصد تماس‌ها با شماره ۱۲۳ اورژانس اجتماعی توسط زنان انجام می‌شود که رنج سنی این زنان بیشتر میان ۲۵ تا ۳۴ سال قرار دارد و اغلب دارای تحصیلات دیپلم و بیش از نیمی از آنها متأهل هستند. در میان زنانی که طی یک سال گذشته با اورژانس اجتماعی تماس گرفته‌اند، حدود ۸ هزار و ۲۰۸ نفر مورد اذیت و آزار توسط همسران خود و ۳ هزار و ۷۷۹ نفر هم مورد خشونت‌های خانگی قرار گرفته‌اند. لایحه‌ای که از آن در راستای کاهش موارد مذکور صحبت می‌شود طبق گفته مسئولان دولت یازدهم در پنج فصل و ۱۰۰ ماده به منظور جلوگیری از بی‌عدالتی در روابط خانوادگی و ضرورت رفع ظلم و تعدی نسبت به زنان در عرصه خانواده و نیز پیش‌بینی راهکارها و ضمانت‌های قانونی و جلوگیری از افراط و تفریط در این زمینه تدوین شده است.

اما به اعتقاد مسئولان دستگاه قضا از آنجا که در قوانین اخیر مصوب شده، تأکید بر حبس‌زدایی و استفاده از مجازات‌های جایگزین است و سعی در کاهش عناوین مجرمانه برای حبس‌زدایی می‌شود، برخی مواد این لایحه پیشنهادی از سوی دولت وصف کیفری و عمدتاً به حبس تمایل دارد.

■ تأکید سخنگوی دستگاه قضا درباره دو نکته در لایحه

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای درباره نتایج لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت اظهار داشت: آنچه دولت تدوین کرد حدود ۹۰ ماده است که از این میزان نزدیک به ۷۰ ماده قضایی است. این لایحه به معاونت حقوقی قوه قضائیه آمده و از دولت و حقوق‌دانان برای بررسی آن دعوت شده است.

وی افزود: در فرایند رسیدگی به این لایحه باید دو مطلب مورد توجه قرار گیرد؛ اول اینکه در سیاست‌های کلی ابلاغی و برنامه ششم حبس‌زدایی و مجازات‌هایی تعیین کنیم که از نوع حبس نباشد. همه دستگاه‌ها باید به سمت این برویم که کمتر حبس داشته باشیم که در این موارد ارائه شده مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده که باید بررسی شود آیا می‌توان آن را جایگزین کرد یا نه؟

محسنی‌اژه‌ای اظهار داشت: دومین مسئله جرم‌انگاری است؛ چیزهایی را که تخلف محسوب می‌شود، جرم‌انگاری کنیم مثلاً اگر کسی از چراغ قرمز رد شود، راهنمایی و رانندگی جریمه می‌کند و این موارد به دادگاه ارجاع نمی‌شود. آیا همه آنچه در اینجا (لایحه) جرم‌انگاری شده ضرورت دارد یا نه. در معاونت حقوقی این موارد در حال بررسی است. امیدواریم زودتر به جمع‌بندی برسند.

■ انتقاد معاون حقوقی قوه قضائیه

این توضیحات در حالی است که پیش‌تر از این نیز معاون حقوقی قوه قضائیه با انتقاد از لایحه مبارزه با خشونت علیه زنان گفته بود: این لایحه که ۱۰۰ ماده را در خود جای داده، ۷۰ ماده آن وصف کیفری دارد و حتی برای کوچک‌ترین تنش میان زوجین حبس مقرر کرده است.

ذبیح‌الله خداییان معاون حقوقی قوه قضائیه یکی از آثار سوء زندان بر زندانی را برچسب زنی دانست و با انتقاد از لایحه‌ای که اخیراً دولت تحت عنوان مبارزه با خشونت علیه زنان تدوین نموده است، اظهار داشت: ما نباید به هر فردی از اجتماع، برچسب زندان و مجرم را بزنیم. این در حالی است که لایحه مبارزه با خشونت علیه زنان که قریب به یکصد ماده را در خود جای داده است ۷۰ ماده آن وصف کیفری دارد و حتی برای کوچک‌ترین تنش میان زوجین نیز حبس مقرر نموده است.

معاون حقوقی قوه قضائیه با اشاره به تک بعدی بودن لایحه اخیر به گونه‌ای که صرفاً از بعد جنسیتی تدوین شده است نهادینه شدن فرهنگ حبس‌زدایی میان مردم را بر کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر خواند و با اشاره به تجربه خدمتی در استان‌های محروم، افزود: در تمامی جوامع این فرهنگ حاکم است که هر کس خطایی کرد و حتی زن و شوهری که دعوا کرده‌اند را با مجازات حبس پاسخ گوییم. فرهنگ حبس‌گرایی در میان مسئولان اجرایی و اعضای شورای تأمین مشاهده می‌شود و بر این اساس، چنانچه قاضی متهمی را با قرار تأمین آزاد می‌کند، متهم به نداشتن قاطعیت می‌شود.

■ گلایه وکلا از نگاه سرکوبگرایانه و مجازات‌محور دولت

این در حالی است که همزمان با کار دولت برای تدوین لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت، وکلای دادگستری هم لایحه‌ای مشابه اما با جزئیات بیشتر براساس پرونده‌هایی که تاکنون وکالت آنها را برعهده داشتند تدوین و به دولت پیشنهاد کردند. ظاهراً این لایحه در ۱۲ بهمن ماه سال گذشته در کانون وکلای دادگستری رونمایی شد.

شیما قوشه وکیل پایه یک دادگستری و یکی از افرادی که در تدوین لایحه حمایت از حقوق زنان دادگستری فعالیت داشته است، می‌گوید: در زمان تدوین لایحه چند جلسه با معاون امور زنان ریاست جمهوری دولت یازدهم برگزار کردیم، اما با توجه به اینکه دولت دید کلی به مقوله خشونت علیه زنان داشت، نتوانستیم کار مشترکی داشته باشیم.

این وکیل پایه یک دادگستری بیان داشت: از جمله ایراداتی که ما به لایحه پیشنهادی دولت داشتیم، این بود که نگاه ما بیشتر نگاه حمایتی نسبت به زنان و درمانی نسبت به مردانی بود که دست به خشونت علیه زنان می‌زنند، اما نگاه دولت بیشتر سرکوبگر و مجازات‌محور بود.

قوشه تأکید کرد: ما نظر خود را به عنوان پیشنهاد به دولت در رابطه با لایحه ارائه شده دادیم و در نهایت پذیرفته هم نشد.

حال باید منتظر ماند و دید با وجودی که دولت لایحه پیشنهادی خود را در رابطه با حمایت از زنان کامل می‌داند، اما در مقابل انتقاداتی بجا که از سوی دستگاه قضا وارد شده است، سرانجام این لایحه به کجا خواهد رسید!